

## اخبار و گزارش های کارگری 8 اسفند ماه 1404

دانشگاه تهران- دانشجو:

1- «سوگند به خون هم‌هاتم»

2- مجازی شدن دانشگاه‌ها در پی خروش دانشجویان در هفته‌ی گذشته و تحریم کلاس‌ها توسط دانشجویان!

3- دانشگاه هنر هم مجازی شد!

4- بیانیه ۳۶ تشکل دانشجویی علامه در واکنش به مجازی شدن دانشگاه

پیش از هرچیز اعلام می‌کنیم در دانشگاه آنلاین شرکت نخواهیم کرد.

5- تداوم بازداشت ۸ دانشجوی دانشگاه‌های تبریز

6- تهدید علنی به کشتار دانشجویان معترض

- دانشجویان متحد:

1- پرنیان خدابخشی بازداشت شد

2- اخراج دانشجویان از خوابگاه در پی اعتراضات دانشگاه الزهرا

3- تناقض، تهدید در دانشگاه اصفهان؛ هراس جمهوری اسلامی از اعتراضات دانشجویی بالا گرفت

4- احضار دانشجویان و تهدید به دادگاهی‌شدن در دانشگاه مازندران

5- وقاحت و بی‌شرمی حراست دانشگاه علم و صنعت

- درباره احکام ممنوع‌الورودی در دانشگاه تهران

- تهدید و افشای اطلاعات شخصی دانشجویان

- # نیمکت‌های خالی

کودکان از دست رفته؛ خاطره‌ای که خاموش نمی‌شود

- بر اساس گزارش‌های منتشرشده، احمد حزب‌آوی، نوجوان ۱۸ ساله عرب، در در اهواز توسط نیروهای امنیتی ده روز پیش بازداشت شده است.

- تهدید به اعدام یک دانش‌آموز

- بلاتکلیفی یک نوجوان ۱۶ ساله در زندان پس از ۵۰ روز

- ناپدیدشدگان قهری/ پناه موحدی سلامات از ۱۹ دی‌ماه مفقود شده است

- بازداشت دو معلم یکی فرزند و دیگری مادرش که در فریمان مشهد پیگیر بازداشت فرزندش بود  
- صدور حکم زندان برای یک معلم

- متن مشترک زینب جلالیان، وریشه مرادی، گلرخ ایرایی و مریم یحوی  
وجدان جمعی، اگر بیدار بماند، هیچ رگباری توان خاموش کردنش را ندارد  
- بیانیه مشترک تشکل های مستقل در حمایت از مبارزات دانشجویان

**#فریاد\_دانشجویان\_انعکاس\_خشم\_جامعه**

از مبارزه و خواست های دموکراتیک و آزادی خواهانه دانشجویان قاطعانه دفاع می کنیم.  
هرگونه سرکوب و محدودیت تجمع، اعتراض و فعالیت دانشجویان در دانشگاه را محکوم می کنیم.

- خودسوزی کریم بوعدارکارگر شرکت نفت آزادگان

- جان باختن یک کارگر جوان در اراک بر اثر سقوط از ارتفاع

- جان باختن یک کارگر معدن سنگ آهن سنگان در حادثه ریزش آوار

\*\*\*\*\*

**\*دانشگاه تهران- دانشجو:**

**1- «سوگند به خون همهام»**

دانشجویان #دانشگاه\_هنر در تجمع اعتراضی خود در روز سه شنبه ۵ اسفند،  
([https://t.me/daneshjo\\_ut/2818](https://t.me/daneshjo_ut/2818)) صحنه‌ای زیبا از همبستگی و مقاومت را آفریدند و با  
همخوانی سرود «سوگند به خون همهام» (<https://t.me/elmosnewss/2780>) «پاد و  
خاطره‌ی تاریخ مبارزاتی جنبش دانشجویی را زنده کردند. تاریخی که محدود به امروز و دیروز  
نیست و ثمره‌ی مقاومت نسل‌های مختلف در برابر استبداد است؛ از نوع دینی و اقتصادی‌اش گرفته تا  
اشکال جنسیتی و قومیتی آن. مسیر پر پیچ و خمی را مردم ایران طی کرده‌اند؛ ما دانشجویان وارثین  
مقاومت و مبارزه دیروزیم و این سفر برای یافتن آزادی را دنبال خواهیم کرد .

این سرود که در سال ۱۴۰۱ و طی جنبش «زن، زندگی، آزادی» توسط دانشجویان  
#دانشگاه\_فرهنگ\_و\_هنر\_تهران همخوانی شد، نخستین بار در سال ۱۳۸۸ سروده و منتشر شده بود.

**2- مجازی شدن دانشگاه‌ها در پی خروش دانشجویان در هفته‌ی گذشته و تحریم کلاس‌ها توسط  
دانشجویان!**

در پی موج تجمعات و اعتراضات دانشجویان در دانشگاه‌های سراسر کشور و ترس حکومت از  
ادامه‌دار بودن این خروش عظیم دانشجویان، تعداد زیادی از دانشگاه‌های سراسر کشور تا پایان سال  
مجازی شدند .

این دانشگاه‌ها شامل **#دانشگاه‌های آزاد**، **#دانشگاه‌های پیام‌نور**، **#دانشگاه هنر اصفهان**، **#دانشگاه اصفهان**، **#دانشگاه دامغان**، **#دانشگاه علوم پزشکی آزادتهران**، **#دانشگاه علامه طباطبائی**، **#دانشگاه علم و فرهنگ** و **#دانشگاه خوارزمی** هستند.

لازم به ذکر است **#دانشگاه آزاد تبریز** ۱۰ میلیون تومان هزینه‌ی خوابگاه دریافت کرده بود و سپس اطلاعیه‌ی مجازی شدن کلاس‌ها منتشر شد و در بعضی از دانشگاه‌ها تعداد زیادی از دانشجویان در خوابگاه ساکن بودند که چنین اطلاعیه‌ای از سوی دانشگاه دریافت کردند.

در پی این حرکت ناگهانی و وحشت‌زده‌ی دانشگاه‌ها دانشجویان ضمن اعتراض به این تصمیم، شرکت در کلاس‌های مجازی را تحریم کردند.

### **3- دانشگاه هنر هم مجازی شد!**

بر اساس اطلاعیه معاونت آموزشی **#دانشگاه هنر**، مسیولین این دانشگاه از ترس تداوم تجمعات دانشجویی، درهای دانشگاه را به روی دانشجویان بسته و آموزش را تا پایان سال مجازی اعلام کرده‌اند:

بنا به مشورت و توصیه وزارت محترم عتف و به منظور برقراری شرایط آرامش و امنیت مورد نیاز جهت پیشبرد اهداف آموزشی، دانشگاه در روز شنبه (نهم اسفند) تعطیل اعلام گردیده و برگزاری کلاسها در دانشگاه هنر ایران تا انتهای اسفند ماه سال جاری به صورت مجازی صورت خواهد پذیرفت.

### **4- بیانیه ۳۶ تشکل دانشجویی علامه در واکنش به مجازی شدن دانشگاه**

پیش از هرچیز اعلام می‌کنیم در دانشگاه آنلاین شرکت نخواهیم کرد.

با سلام و احترام،

ما، جمعی از انجمن‌های علمی، کانون‌های فرهنگی و شوراهای صنفی دانشگاه علامه طباطبائی، با غمی سنگین و قلبی لبریز از اندوه و همدردی، سوگوار هموطنان شریف و بی‌گناهی هستیم که در دی‌ماه گذشته جان خود را از دست دادند؛ مراتب تسلیت و همدلی عمیق خود را با خانواده‌های داغدار و جامعه‌ی دانشجویی کشور ابراز می‌داریم.

آنچه در دی‌ماه روی داد، نه صرفاً اعتراضی محدود بود و نه سرکوبی مقطعی؛ بلکه زخمی عمیق بر پیکر جامعه ایران است زخمی که بی‌تردید می‌توان آن را ایران‌کشی نامید؛ هنگامی که ایرانی به‌دست ایرانی جان می‌دهد و امید به آینده قربانی می‌گردد.

در این میان، تصمیمات اخیر هیئت‌رئیس دانشگاه علامه، در تعارض آشکار با خواست و منافع دانشجویان قرار گرفته است. هیئت‌رئیس در اطلاعیه شماره‌ی ۲، به بهانه‌ی «درخواست دانشجویان»، آغاز نیمسال تحصیلی جدید را به ۹ اسفند موکول کرده بود. اکنون، در حالی که تنها دو روز تا شروع کلاس‌ها باقی مانده بود، با دلایلی مبهم و ناموجه، بازگشایی دانشگاه را به پس از تعطیلات نوروز وعده داده است.

این تصمیم به روشنی به معنای تعطیلی سه‌ماهه دانشگاه علامه طباطبایی است؛ اقدامی که هم از نظر آموزشی و هم از نظر اجتماعی، لطمه‌ای جدی بر پیکر دانشگاه وارد می‌کند.

دانشگاه علامه طباطبائی بنا به اظهارات مسئولان خود قطب علوم انسانی کشور است. در شرایطی که شکاف‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به بیشترین سطح خود رسیده، چگونه می‌توان این فضا را خاموش کرد و زندگی دانشگاهی را به‌پشت صفحه تلفن همراه فرستاد؟

پیگیری مطالبات دانشجویان بازداشتی و آسیب‌دیده توسط شوراهای صنفی، برگزاری تجمعات اعتراضی مسالمت‌آمیز از سوی تشکل‌های سیاسی، نشست‌های تحلیل و واکاوی بحران‌های اخیر توسط انجمن‌های علمی و فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی کانون‌های دانشجویی، حداقل‌ترین کارکردهای زنده یک دانشگاه علوم انسانی هستند؛ کارکردهایی که تعطیل‌کردن دانشگاه، عملاً آن‌ها را به محاق می‌برد.

بنابراین، ما جمعی از تشکل‌های دانشجویی دانشگاه علامه طباطبائی، در همراهی کامل با دانشجویان، خواستار تجدیدنظر فوری در تصمیم اخیر هستیم و اعلام می‌داریم که در کلاس‌های آنلاین شرکت نخواهیم کرد.

امضا کنندگان:

انجمن‌های علمی:

اقتصاد انرژی و محیط زیست، اقتصاد و تجارت الکترونیک، اقتصاد، برنامه‌ریزی اجتماعی، توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی، جامعه‌شناسی، حقوق، حقوق اقتصادی، حقوق کیفری، روزنامه‌نگاری، زبان و ادبیات آلمانی، زبان و ادبیات انگلیسی، علم اطلاعات و دانش‌شناسی، علوم تربیتی، علوم قرآنی، فلسفه، مددکاری اجتماعی، مدیریت بازرگانی، مدیریت بیمه، مدیریت دولتی، مدیریت صنعتی، مدیریت هتلداری، مطالعات اجتماعی و سیاسی

کانون‌های فرهنگی:

تئاتر، شعر و ادب، ورزش، محیط زیست، موسیقی

شوراهای صنفی:

اقتصاد، حقوق و علوم سیاسی

## 5- تداوم بازداشت ۸ دانشجوی دانشگاه‌های تبریز

بنا به گزارش دانشجویان، همچنان ۸ دانشجوی دانشگاه‌های تبریز در بازداشت به سر می‌برند.

#سمیه\_حیدری، دانشجوی رشته فیزیک دانشگاه تبریز و عضو هیئت تحریریه نشریه توقیف شده‌ی یول، صبح ۱۳ بهمن توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد و تا این لحظه هنوز در بازداشت به‌سر می‌برد. از وضعیت کنونی وی و پرونده قضایی تشکیل شده برای این دانشجو اطلاعی در دست نیست.

#امیرحسین\_محمدی، دانشجوی رشته‌ی نقاشی ایرانی #دانشگاه\_هنر\_تبریز از روز پنجشنبه ۲ بهمن، از محل سکونت خود در نزدیکی دانشگاه، توسط نیروهای امنیتی بازداشت شد و به مکانی نامعلوم منتقل شده است. تاکنون هیچ اطلاعات مشخصی درباره‌ی محل نگهداری وی منتشر نشده است.

#سهند\_طاهری، دانشجوی رشته گرافیک ورودی ۱۴۰۲ #دانشگاه\_هنر\_تبریز که پیشتر نیز بازداشت و سپس آزاده شده بود، توسط نیروهای امنیتی بار دیگر بازداشت شد. تاکنون هیچ اطلاعاتی از زمان، محل دستگیری، نهاد بازداشت کننده و محل نگهداری او منتشر نشده است.

#مهتاب\_صالحی، دانشجوی رشته زبان فرانسه #دانشگاه\_تبریز، در جریان اعتراضات دی ماه در تبریز بازداشت شده است و با گذشت بیش از ۲۰ روز هیچ خبری از او در دسترس نیست. خانواده‌ی مهتاب پس از گذشت یک هفته، از بازداشت او مطلع شدند و هم زمان نهادهای امنیتی آن‌ها را تهدید کردند که خبر بازداشتش رسانه‌ای نشود. برای آزادی موقت وثیقه‌ی ۱ میلیارد و ۳۰۰ میلیون تومانی تعیین شده است. تا این لحظه مهتاب هیچ تماس مستقیمی با خانواده خود نداشته است.

#علی\_اصغر\_عبادی، دانشجوی #دانشگاه\_هنر\_تبریز روز ۱۶ دی مقابل خوابگاه بازداشت شد و چند روز بعد با اجبار به امضای تعهد به طور موقت آزاد شد. پس از چند روز نیروهای امنیتی به خانه‌ی او در شبستر یورش بردند و بار دیگر او را بازداشت کردند. همچنان وی در بازداشت به سر می‌برد. هیچ اطلاعاتی از نهاد بازداشت‌کننده و محل نگهداری او در دسترس نیست.

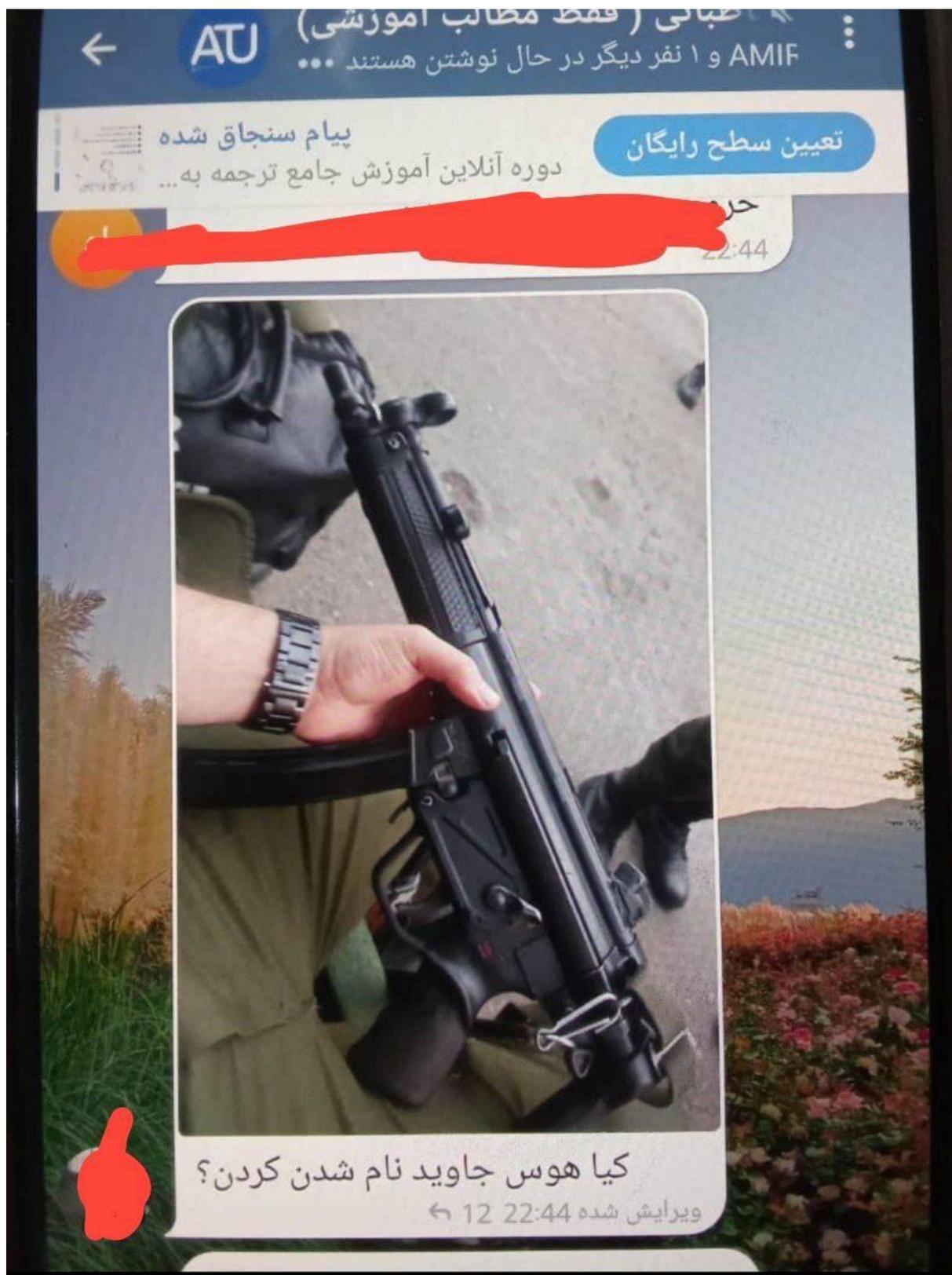
#پدram\_علمداری دانشجوی ورودی ۱۳۹۹ رشته‌ی فیزیک #دانشگاه\_تبریز و سردبیر نشریه توقیف‌شده‌ی یول، عصر یکشنبه ۱۲ بهمن توسط نیروهای امنیتی در منزل شخصی خود بازداشت شده است. با گذشت بیش از سه هفته از بازداشت، گزارش‌ها حاکی از آن است که وی در زندان مرکزی تبریز نگهداری می‌شود.

#محمد\_محمدزاده، دانشجوی ورودی ۱۴۰۱ مهندسی معماری #دانشگاه\_هنر\_اسلامی\_تبریز همچنان در بازداشت به سر می‌برد. از روز و نحوه‌ی بازداشت اطلاعی در دست نیست. طبق اطلاع انجمن اسلامی دانشجویان آقای محمدزاده تا پایان روند دادرسی و صدور حکم ممنوع‌الملاقات شده‌اند.

#سهند\_عباس‌نیا، دانشجوی رشته معماری #دانشگاه\_هنرهای\_اسلامی\_تبریز ۲ بهمن در منزل خانواده‌اش در مراغه توسط نیروهای امنیتی بازداشت شده است و همچنان در بازداشت به سر می‌برد. او پیشتر نیز ۱۹ دی در تبریز به صورت موقت بازداشت شده بود و پس از یک شب آزاد شد. تا این لحظه اطلاعات دقیقی از محل نگهداری و نهاد بازداشت‌کننده در دسترس نیست.

از مخاطبان کانال می‌خواهیم تا با هم‌رسانی این گزارش، صدای دانشجویان بازداشتی باشند.

## 6- تهدید علنی به کشتار دانشجویان معترض



«کیا هوس جاوید نام شدن کردن؟» این جمله‌ای است که زیر عکس یک اسلحه، در یکی از گروه‌های #دانشگاه\_علامه منتشر شده است! پیامی خطاب به دانشجویانی که برای یک تجمع اعتراضی فراخوان داده بودند.

در روزهایی که هزاران خانواده داغدارند و خیابان‌ها هنوز بوی خون می‌دهند، در کشوری که «جاویدنام» اسم رمز سنگ قبر شده، در سرزمینی که گلوله استعاره نیست و واقعیت است، اشاره به اسلحه یعنی اشاره به مرگ. یعنی یادآوری مستقیم سناریوی جنایتی که پیش‌تر اجرا شده. کسی که چنین تصویری را منتشر می‌کند، دقیقاً می‌داند اسلحه در این جغرافیا چه معنایی دارد.

می‌داند که ترس واقعی است.

چطور کسی جرأت می‌کند در فضای دانشگاه، اسلحه را وارد زبان کند و مرگ را خطاب قرار دهد؟ این جسارت از کجا می‌آید؟ چطور اعتراض مسالمت‌آمیز با تعلیق و تنبیه پاسخ می‌گیرد، اما تهدید با اسلحه بی‌هزینه می‌ماند؟ چرا ارباب مجاز است و اعتراض جرم؟ و چه کسی قرار است پاسخ این مصونیت را بدهد؟

### \*دانشجویان متحد:

#### 1- پرنیان خدابخشی بازداشت شد

بنا بر گزارش شورای صنفی دانشگاه شریف، پرنیان خدابخشی ورودی ۱۴۰۲ مهندسی مواد دانشگاه صنعتی شریف، پس از یورش نیروهای امنیتی به محل سکونتش بازداشت شده است و از محل نگهداری او خبری در دست نیست.

#### 2- اخراج دانشجویان از خوابگاه در پی اعتراضات دانشگاه الزهرا

بنا بر گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، در پی حضور گسترده دانشجویان الزهرا در اعتراضات اخیر، مسئولان دانشگاه الزهرا اقدام به اخراج شماری از دانشجویان ساکن خوابگاه کرده‌اند. اقدامی که نه تنها مبنی بر ابلاغیه کتبی و اصول احضار و صدور حکم در دانشگاه نبوده، بلکه دانشجویان اخراج‌شده از خوابگاه حتی پیامکی مبنی بر این تصمیم دانشگاه دریافت نکرده‌اند!

مسئولان دانشگاه به‌صورت ناگهانی به برخی از دانشجویان اعلام کرده‌اند که باید خوابگاه را تخلیه کرده و به شهرهای محل سکونت خود بازگردند. این تصمیم دانشجویان را در شرایطی اتخاذ شده که ترم شروع شده و برخی از دانشجویان توانایی تامین اسکان جایگزین به صورت ناگهانی را ندارند.

مطابق آیین‌نامه انضباطی دانشجویان، محرومیت از خدمات رفاهی از جمله خوابگاه مستلزم تشکیل پرونده، ابلاغ رسمی، صدور رای مکتوب و فراهم شدن حق دفاع برای دانشجو است. با این حال، دانشجویان اخراج‌شده می‌گویند هیچ‌یک از این مراحل طی نشده و تصمیم به شکلی ناگهانی و قهری اجرا شده که نشان می‌دهد دانشگاه الزهرا این رویکرد تنبیهی را در برابر دانشجویان معترض اتخاذ کرده است.

این نخستین بار نیست که کادر مدیریتی دانشگاه الزهرا به چنین شیوه‌هایی متوسل می‌شود. در موارد پیشین نیز برخوردهای مشابهی با دانشجویان منتقد یا معترض صورت گرفته که با انتقاد گسترده بدنه دانشجویی همراه بوده است.

تا زمان انتشار این گزارش، مسئولان دانشگاه توضیح رسمی درباره مستندات قانونی این تصمیم ارائه نکرده‌اند.

### **3- تناقض، تهدید در دانشگاه اصفهان؛ هراس جمهوری اسلامی از اعتراضات دانشجویی بالا گرفت**

بر اساس گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، در ادامه اعتراضات اخیر دانشجویی، دانشگاه اصفهان طی ۲۴ ساعت گذشته صحنه تصمیم‌های متناقض و اقدامات سرکوبگرانه کم‌سابقه‌ای بوده است.

پنج‌شنبه ویدیویی از رئیس دانشگاه منتشر شد که در آن اعلام می‌کرد کلاس‌ها از شنبه ۹ اسفند به‌صورت حضوری برگزار خواهد شد و از دانشجویان می‌خواست «الگوی جدیدی برای دانشگاه‌ها» باشند. این موضع‌گیری در شرایطی صورت گرفت که فضای دانشگاه‌ها تحت تأثیر اعتراضات دانشجویی در سراسر ایران قرار دارد.

اما تنها چند ساعت بعد، از ساعت ۲۱ شب، تماس‌های کمیته انضباطی با دبیران انجمن‌های علمی و اعضای شورای صنفی آغاز شد؛ تماس‌هایی که به گفته دانشجویان، با لحنی هشدارآمیز همراه بوده و بر عدم انجام هرگونه فعالیت در روز شنبه تأکید داشته است. این چرخش ناگهانی، از نگاه بسیاری از دانشجویان، نشانه‌ای از نگرانی و هراس مدیریت دانشگاه از شکل‌گیری تجمعات اعتراضی عنوان شده است.

در اوج این تناقض، ساعت ۱:۳۰ بامداد جمعه پیامکی سراسری برای دانشجویان ارسال شد که خبر از مجازی شدن دانشگاه می‌داد؛ عقب‌نشینی‌ای شبانه که در حالی صورت گرفت که خوابگاه‌ها مملو از دانشجویانی بود که بر اساس اعلام رسمی برای آغاز کلاس‌های حضوری به دانشگاه بازگشته بودند.

از ظهر پنجشنبه نیز گزارش‌هایی مبنی بر تماس با برخی دانشجویان برای مراجعه به کمیته انضباطی منتشر شده است.

### **4- احضار دانشجویان و تهدید به دادگاهی‌شدن در دانشگاه مازندران**

بنا بر گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، دانشگاه مازندران اقدام به احضار و تهدید به دادگاهی‌شدن دانشجویان معترض کرده است. چنین اقدامی در واکنش به صحبت‌های دانشجویان در کانال‌ها و گروه‌های دانشجویی انجام شده است.

تعداد دانشجویان احضار شده قابل توجه گزارش شده است.

### **5- وقاحت و بی‌شرمی حراست دانشگاه علم و صنعت**

در پی تجمعات روزهای ۳ و ۵ اسفندماه، دانشگاه علم و صنعت شاهد موجی از اقدامات سرکوبگرانه، غیرقانونی و خارج از ضابطه علیه دانشجویان بودیم. شورای صنفی دانشجویان دانشگاه علم و صنعت طی گزارشی به تعدادی از این اقدامات سرکوبگرانه اشاره کرد. در این گزارش آمده است:

حراست دانشگاه تعداد زیادی از دانشجویان را ممنوع‌الورود و ورود سایرین را نیز با رصد کارت دانشجویی کنترل می‌کردند؛ درحالی‌که هم‌زمان دانشگاه شاهد حضور افرادی بود که نه کارت دانشجویی دارند و نه هویت مشخصی.

دست‌درازی و تعرض بر روی دانشجویان دختر توسط نیروهای سرکوب بسیج و لباس‌شخصی صورت گرفته است.

در محوطه سردر دانشگاه، گروه‌هایی ناشناس به دانشجویان حمله کرده و کارت دانشجویی آنان را به زور ضبط کردند و آن‌ها را مورد اذیت و آزار قرار دادند.

این نیروهای خودمختار نه تنها از مسئولان دانشگاه فرمان نمی‌برند، بلکه کار به درگیری فیزیکی و ضرب‌وشتم کشیده و حتی برخی اساتید دانشگاه نیز از خشونت آنان در امان نمانده‌اند.

حراست دانشجویان را بدون اطلاع قبلی از خوابگاه اخراج می‌کند و حتی فرصت تهیه بلیت هم به او نمی‌دهد. تعداد زیادی از دانشجویان بدون ابلاغ رسمی زمان آغاز و پایان ممنوع‌الورودی، بدون ارائه مستندات و بدون طی روند قانونی ممنوع‌الورود شده‌اند.

### **\*درباره احکام ممنوع‌الورودی در دانشگاه تهران**

با توجه به گزارش‌های واصله، طی روزهای اخیر تعداد قابل توجهی از دانشجویان دانشگاه تهران به‌صورت گسترده با حکم ممنوع‌الورودی به دانشگاه مواجه شده‌اند.

بر اساس اطلاعات دریافتی، بخش قابل توجهی از دانشجویان ممنوع‌الورود، اساساً در زمان‌های مورد ادعا در شهر تهران حضور نداشته‌اند و برخی دیگر نیز حتی در پردیس مرکزی دانشگاه حضور پیدا نکرده‌اند. این مسئله، ابهامات جدی درباره مستندات و فرآیند صدور این احکام ایجاد می‌کند.

همچنین دبیر و نائبدبیر شورای صنفی کل دانشگاه، که بر اساس وظایف قانونی خود باید نماینده و پیگیر حقوق صنف دانشجویان باشند، نیز در زمره افراد ممنوع‌الورود قرار گرفته‌اند؛ اقدامی که عملاً امکان پیگیری صنفی و دفاع از حقوق دانشجویان را با اختلال مواجه می‌سازد.

بدیهی است ارائه مستندات مستدل و قابل بررسی، شرط لازم برای اعتبار هرگونه تصمیم انضباطی بوده و انتظار می‌رود مسئولان ذی‌ربط در این خصوص پاسخگو باشند.

دفاع از حقوق صنف دانشجویان، مسئولیتی است که شورا با جدیت و در چارچوب ضوابط قانونی آن را دنبال خواهد کرد.

روابط عمومی شورای صنفی کل دانشگاه تهران

### **\* تهدید و افشای اطلاعات شخصی دانشجویان**

به استحضار دانشجویان گرامی می‌رساند، بر اساس گزارشات واصله به شورای صنفی، اطلاعات شخصی تعدادی از دانشجویان در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده و در عین حال هدف پیام‌ها و تهدیدات مستقیم قرار گرفته‌اند. این اقدامات نه تنها فاقد هرگونه وجهت قانونی است بلکه مصداق بارز جرم، نقض حریم خصوصی و تهدید امنیت روانی دانشجویان با استفاده از اطلاعات شخصی ایشان می‌باشد. حراست دانشگاه به عنوان نهاد مسئول تأمین امنیت دانشجویان، موظف به جلوگیری از این تخلفات بوده و می‌بایست امنیت این نوع اطلاعات را از همان ساختمان مرکزی تضمین نماید.

از دانشجویان محترم درخواست می‌شود ضمن حفظ آرامش خود، از پاسخ به پیام‌های اینگونه اکانت‌ها خودداری کرده و در مواجهه با این تهدیدات و نشر اکاذیب هیچ‌گونه نگرانی‌ای نداشته باشند. همچنین خواهشمند است جهت دریافت راهنمایی‌های بیشتر، موضوع مربوطه را به اعضای کمیته حقوقی ([https://t.me/Senfi\\_KNTU/1665](https://t.me/Senfi_KNTU/1665)) انتقال و با ایشان در ارتباط باشید.

#کمیته\_حقوقی

شورای صنفی دانشجویان دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی

\*\*نیمکت‌های\_خالی

**کودکان از دست رفته؛ خاطره‌ای که خاموش نمی‌شود**

خون کودکان بی‌گناه، محصول مستقیم سرکوب بی‌رحمانه است. هر نیمکت خالی، فریاد خاموش نسلی است که با تیر و وحشت از حق زندگی، امنیت و آموزش محروم شده و یادآور نسلی است که با خشونت، آینده‌اش ربوده شد.

256- نام کودک: آرین نباتی ۱۸ ساله

محل کشته‌شدن: مشهد

تاریخ: ۲۸ بهمن ۱۴۰۴ در مراسم چهلم یکی از جانب‌باختگان با شلیک ماموران حکومتی کشته شد

257- نام کودک: هدیه خدری ۱۷ ساله

محل کشته‌شدن: ساوه

تاریخ: ۱۸ دی ماه در ساوه بازداشت شد و شش روز بعد جسدش در گناوه تحویل پدرش شد .

**مادری که لباس و دسته گل عروس ، دختر جوانش را درسکوت ،اما سراسرغم و اندوه در بین مردم میچرخاند**

به نقل از یک همشهری و از بستگان جاوید نام هدیه خدری :

هدیه خدری دختری ۱۷ ساله از خانواده ای بوده که پدر و مادرش سالها از هم جدا زندگی میکردند. او پیش مادرش که از خانواده شهابی هستند ، در شهر ساوه همراه دوخواهرش زندگی میکرد در اعتراضات روز ۱۸دیماه توسط نیروهای امنیتی بازداشت و خانواده اش تا ۶روز هیچ خبری ازش نداشتن تا اینکه جمهوری اسلامی زنگ به پدرش که گناوه زندگی میکرده میزنه و میگن دخترتون سخته کرده (متاسفانه در اثر شکنجه و با اثار ضرب و جرح در بدن کشته شدند). برای تحویل جنازه تعهد گرفتن که پیگیر نشین-و تهدید کردن در سکوت دفن بشه ... روز تشییع جنازه در گناوه من اونجا بودم مادر هدیه لباس عقدش را بغل کرده بود و زنها برایش کل میزدند و او دور خود می پیچید و لباسش را بغل کرده بود صحنه ای که خیلی درد آور بود خیلی ...

258- نام کودک: ابوالفضل امیر آبادی ۱۷ ساله

محل کشته‌شدن: اراک

تاریخ: ۱۸ دی ماه

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران، ضمن ابراز تأسف عمیق و همدردی با خانواده‌های داغدار، خواستار پایان فوری خشونت، تضمین امنیت جانی کودکان و آزادی تمامی بازداشت‌شدگان است.

توجه: شورا اسامی این کودکان را بر اساس اخبار منتشرشده در شبکه‌های قابل اعتماد و منابع معتبر منتشر می‌کند. اگر اطلاعاتی موثقی دارید، لطفاً با ما به اشتراک بگذارید تا گزارش‌ها دقیق‌تر و مستندتر شوند.

(برای مشاهده تصاویر به کانال شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران مراجعه شود)

**\*بر اساس گزارش‌های منتشرشده، احمد حزباوی، نوجوان ۱۸ ساله عرب، در در اهواز توسط نیروهای امنیتی ده روز پیش بازداشت شده است.**

گفته می‌شود او پس از حضور در مراسم چهل‌جان‌باختگان اعتراضات بازداشت شده و از آن زمان تاکنون اطلاعی از محل نگهداری یا وضعیت او در دست نیست.

#احمد\_حزباوی

#اعتراضات\_سراسری

#سرکوب\_دانش\_آموزان

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

**\*تهدید به اعدام یک دانش‌آموز**

بر اساس گزارش یک منبع نزدیک به خانواده، #دیانا\_طاهرآبادی، دانش‌آموز ۱۶ ساله، پنج بهمن‌ماه در منزل خود در کرج بازداشت شده و با احتمال صدور حکم #اعدام روبه‌روست.

حدود ساعت هشت صبح پنج مأمور با لباس نیروی انتظامی پس از ورود به خانه پدری این دانش‌آموز، تلفن‌های همراه اعضای خانواده را برای جلوگیری از تماس جمع‌آوری کردند. دیانا هنگام ورود مأموران در خواب بود؛ مأموران به اتاقش رفته، او را بیدار و بازداشت کردند. این نوجوان با دستبند به یک ون منتقل و سپس به زندان کچویی انتقال داده شد. طبق این گزارش، وی به دادگاه کرج نیز برده شده و خانواده‌اش را درباره احتمال صدور حکم اعدام تهدید کردند و او را برای ارزیابی «صلاحیت عقلی» به پزشکی قانونی ارجاع داده‌اند.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران

**\*بلا تکلیفی یک نوجوان ۱۶ ساله در زندان پس از ۵۰ روز**

۵۰ روز از بازداشت خودسرانه محمدامین مفتوعی، نوجوان ۱۶ ساله می‌گذرد.

براساس گزارشات رسیده به رسانه های شورای هماهنگی صنفی فرهنگیان ایران این نوجوان تحت حمایت بهزیستی بوده و برای آزادی وی درخواست وثیقه ۵ میلیارد تومانی

«محمدامین مفتوعی»، نوجوان ۱۶ ساله کُرد اهل «قوچان» از توابع خراسان رضوی و از کودکان تحت حمایت بهزیستی، است که در تاریخ ۱۸ دی در قوچان بازداشت شده و پس از اتمام بازجویی به کانون اصلاح و تربیت مشهد منتقل شده و همچنان به صورت بلا تکلیف در بازداشت نگهداری می‌شود. برای آزادی او درخواست وثیقه ۵ میلیارد تومانی شده است.

### **\*ناپدیدشدگان قهری/ پناه موحدی سلامات از ۱۹ دی ماه مفقود شده است**

بیدارزنی: «پناه موحدی سلامات» از شامگاه ۱۹ دی ۱۴۰۴ و بعد از حضور در اعتراضات پونک تهران مفقود شده و پیگیری نزدیکانش برای یافتن اثری از او بی نتیجه مانده است.

به گفته یک فرد آگاه، پناه در منطقه «تهرانپارس» سکونت داشته و شب ۱۹ دی آخرین استوری خود را گذاشت و رفت: «نوشته بود جانم فدا تا ببینم میهنم آزاد.»

«ما خیلی سعی کردیم آن شب مانعش بشویم. اینترنت و تماس اختلال داشت ولی از ساعت ۹ شب به بعد دیگر تلفنش خاموش شد.»

منبع میگوید دوستان و خانواده پناه تمام مکان‌هایی که گمان می‌شود اثر و نشانی از او یافت را زیر پا گذاشته‌اند: «تمام پزشکی قانونی‌های تهران، پلیس آگاهی، بیمارستان‌ها و درمانگاه‌ها سر زدیم. اسمش در هیچ لیستی نیست. نه کشته، نه مجروح نه بازداشتی. حتی پیکرهای ناشناس را هم برای شناسایی دیده‌اند. خانواده‌اش به شدت برای اطلاع‌رسانی تحت فشارند.»

این فرد آگاه میگوید برخی دوستان پناه موحدی در این روزها بازداشت و بازجویی شده‌اند: «پناه کیک بوکسینگ به شکل حرفه‌ای کار میکرد. اصلاً نمی‌دانیم چه بلایی سرش آمده. سر شجاع و نترسی داشت حالا اصلاً نمی‌دانیم که مرده است یا زنده.»

صدای معترضان ناپدید شده و سایر زندانیان گمنام باشیم. این وضعیت فاجعه‌بار تنها به مدد پوشش رسانه‌ای گسترده، قابل پیگیری خواهد بود. مسکوت‌گذاری نام آنان، تنها دست نیروهای امنیتی و ضابطین پرونده در اعمال جنایت را بازتر می‌گذارد.

### **\*بازداشت دو معلم یکی فرزند و دیگری مادرش که در فریمان مشهد پیگیر بازداشت فرزندش بود**

# وحید قاسمی، دبیر زیست‌شناسی اهل فریمان و ساکن استان خراسان رضوی، روز شنبه ۲ اسفند ۱۴۰۴ توسط نیروهای اطلاعات بازداشت و به زندان وکیل‌آباد مشهد منتقل شده است.

منابع آگاه گفته اند، یک روز پس از بازداشت او، مادرش #مهناز حداد کاخکی، ۵۳ ساله و معلم مقطع ابتدایی، هنگام مراجعه به دادگستری فریمان برای پیگیری وضعیت فرزندش بازداشت و به زندان وکیل‌آباد منتقل شده است.

اتهام‌های مطرح‌شده علیه وحید قاسمی شامل «تشویق به حضور در اعتراضات»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام»، «توهین به رهبری» و «توهین به مقدسات» عنوان شده است. همچنین برای مهناز حداد کاخکی اتهام «فعالیت تبلیغی علیه نظام» ذکر شده است.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران با محکومیت بازداشت مهناز حداد کاخکی و فرزندش وحید قاسمی که هر دو از معلمان شریف ایران هستند، خواهان پایان پرونده سازی و سرکوب معلمان و فعالان صنفی در سراسر کشور است.

### **\* صدور حکم زندان برای یک معلم**

آرمان شاهپوری‌خو، معلم بازداشت‌شده در جریان اعتراضات سراسری ۱۴۰۴، توسط شعبه اول دادگاه انقلاب اهواز به دو سال حبس تعزیری، دو سال ممنوعیت خروج از کشور و یک سال حضور اجباری در ستاد امر به معروف و نهی از منکر شهرستان ایذه محکوم شد.

بر اساس اطلاعات منتشرشده، این حکم در تاریخ ۲۶ بهمن‌ماه صادر شده و اتهام مطرح‌شده علیه او «اخلال گسترده در نظم و امنیت عمومی» عنوان شده است.

آرمان شاهپوری‌خو روز ۹ دی‌ماه در شهر ایذه، استان خوزستان، بازداشت شده بود. بازداشت و صدور حکم برای این معلم در حالی صورت می‌گیرد که در ماه‌های اخیر فشار بر معلمان و فعالان صنفی در پی اعتراضات سراسری افزایش یافته است.

صدور احکام حبس و مجازات‌های تکمیلی از جمله ممنوعیت خروج از کشور و الزام به حضور در نهادهای حکومتی، بخشی از روند برخورد قضایی با معترضان و فعالان مدنی در ماه‌های گذشته بوده است.

شورای هماهنگی با محکومیت حکم صادر شده برای این معلم شریف خواهان آزادی هر چه سریعتر وی و سایر معلمان و دانش‌آموزان در بند است.

**\* متن مشترک زینب جلالیان، وریشه مرادی، گلرخ ایرایی و مریم یحیوی**

**وجدان جمعی، اگر بیدار بماند، هیچ رگباری توان خاموش کردنش را ندارد**

«چهل روز گذشت

از روزی که مردم برای زیستن برخاستند

و با مرگ پاسخ گرفتند

این سطرها نه مرثیه‌اند

و نه روایت رنج فردی

شهادتی‌اند بر حقیقتی که سال‌ها در گلو ماند

و هر بار با سایه‌ی تهدید به سکوت رانده شد

در این سرزمین، آزادی بیان همیشه در حاشیه نفس کشیده است  
کلمه‌ها پیش از تولد، محاکمه شدند  
و پرسش، پیش از آن‌که بر زبان آید  
اتهام شد  
اینجا خیابان‌ها بوی خون می‌دهند  
پژواک سفره‌های خالی  
پژواک شکاف‌های عمیق طبقاتی  
و پژواک نسلی که آینده‌اش زیر بار گرانی، بیکاری و تبعیض فرسوده می‌شود  
این صداها ناگهانی نبودند  
حاصل سال‌ها نادیده گرفتن‌اند  
سفره‌هایی که هر روز کوچک‌تر شدند  
پدرانی که شرمندگی را در سکوت بلعیدند  
و دانش‌آموزانی که رویاهایشان پیش از آغاز با رگبار خاموش شدند  
همه این‌ها فریادی شد که در چهاردیواری‌ها نمی‌گنجید  
و این بود روایت ما  
تن‌هایی ایستاده با دستانی خالی  
به نام مطالبه‌ی عدالت و کرامت  
با رگبار پاسخ گرفتیم  
رگباری که بیش از هر چیز  
نشانه‌ی هراس قدرت بود از صدایی که دیگر نمی‌شد نشنیدش  
گلوله‌ها بدن‌ها را شکافتند  
بی‌اعتمادی عمیق‌تر شد  
ستم، تنها در لحظه شلیک رخ نداد  
سال‌ها پیش آغاز شد

آنجا که نقد، تهدید نام گرفت  
و عدالت، وعده‌ای بی‌سرانجام شد  
چهل روز گذشت  
اما پرسش هنوز پا بر جاست  
چرا مطالبه‌ی حق، باید چنین بهایی بدهد؟  
یادشان صرفاً خاطره نیست  
معیار است  
معیار سنجش فاصله‌ی ما تا جامعه‌ای که در آن  
بیان آزاد جرم نباشد  
اعتراض پاسخی از جنس گلوله نگیرد  
و قدرت، خود را در برابر مردم پاسخگو بداند  
چهل، پایان سوگ نیست  
آغاز تعهد است  
تعهد به ادامه پرسش  
به پافشاری بر عدالت  
به ساختن جامعه‌ای که آزادی در آن امتیاز نباشد  
بلکه بنیان آن باشد  
وجدان جمعی، اگر بیدار بماند  
هیچ رگباری توان خاموش کردنش را ندارد»  
زینب جلالیان، زندان یزد  
وریشه مرادی، زندان اوین  
گلرخ ایرایی، زندان اوین  
مریم یحیوی، تهران»  
برگرفته از کانال بیدارزنی

**\*بیانیه مشترک تشکل های مستقل در حمایت از مبارزات دانشجویان**

**#فریاد\_دانشجویان\_انعکاس\_خشم\_جامعه**

از مبارزه و خواست های دموکراتیک و آزادی خواهانه دانشجویان قاطعانه دفاع می کنیم.

هرگونه سرکوب و محدودیت تجمع، اعتراض و فعالیت دانشجویان در دانشگاه را محکوم می کنیم.

پس از کشتار دی ماه، که رژیم هزاران نفر از کودکان، جوانان، زنان و مردان را به قتل رساند، موج وسیعی از خشم و تنفر در جامعه به وجود آمد. این خشم و تنفر که اساساً متوجه حاکمیت و دستگاه های سرکوبگر آن است، بخش های مختلف جامعه را به میدان مبارزه اجتماعی کشانده است. بر همین اساس دانشجویان به کشتار و زندانی کردن معترضان، از جمله کشتار دانشجویان معترض، واکنش نشان دادند و این مبارزه ادامه خواهد داشت.

دانشجویان بخش فعال و آگاهی از جامعه هستند که به رغم سرکوب های عریان، در همه دوران ها به ویژه در دوره اخیر، پرچم مبارزه علیه سرکوب و استبداد خون ریز رژیم را بر افراشته نگاه داشته اند. اکنون دانشگاه سنگر آزادی و تبلور مقاومت جوانان در مقابل بیدادگری، کشتار، نابرابری و فساد است که زندگی توده های مردم را به تباهی کشانده است. دانشجویان می گویند: « در برابر خون های ریخته شده، بازداشت های گسترده و یورش به حریم دانشگاه، سکوت را همدستی با ظلم می دانیم ».

واکنش دانشجویان به سیاست های رژیم حاکم و مسئولیت پذیری در مقابل درد و رنج کارگران و زحمتکشان، به آنها جایگاه ویژه ای بخشیده است. همچنانکه در گذشته نیز با رزمندگی و هوشیاری، پیشگام مبارزه علیه رژیم شاه و جمهوری اسلامی بودند. ۱۶ آذر و ۱۸ تیر روزهایی هستند که دانشجویان با حماسه آفرینی و جان فشانی علیه استبداد شاهنشاهی و حاکمیت اسلامی به پا خاستند و این دو روز را به نماد مبارزات آزادی خواهی و دموکراتیک تبدیل کردند. همراهی با اعتراضات توده ها و خود را فرزند کارگران دانستن، دانشجویان را در جایگاه وجدان بیدار توده ها قرار داده است.

برخی از خواست های دانشجویان که در تظاهرات و اعتراضات در مناطق مختلف کشور اعلام کرده اند چنین اند:

• آزادی بی قید و شرط تمامی دانشجویان بازداشتی.

• پایان برخوردهای خشونت آمیز و خروج فضای امنیتی از دانشگاه و خوابگاه ها و دیگر مراکز دانشجویی.

• لغو مجازی سازی تحمیلی

• حفظ کرامت دانشجویان

• پاسخگویی شفاف مسئولان در قبال جان های از دست رفته .

این مطالبات در همه موارد با خواست های سیاسی یعنی نفی رژیم حاکم و استقرار دموکراسی واقعی همراه است.

تشکل های مستقل کارگران، معلمان، بازنشستگان، زنان، پرستاران، رانندگان، دانش آموزان و ملیت های زیر ستم در این مبارزه در کنار دانشجویان قرار دارند و از این خواست ها دفاع می کنند. سازمان های سیاسی و نیروهای فعال نیز وظیفه دارند بر وحدت میان همه طبقات و اقشار زحمتکش جامعه تأکید ورزند و از مبارزه مشترک و هدفمند و یک پارچه کارگران و زحمتکشان حمایت کنند. همچنانکه دانشجویان مبارز نیز وظیفه دارند با آگاهی و هوشیاری همپیمانان خود را بشناسند و مبارزات متحد و متشکل را سازماندهی کنند. سازماندهی در اشکال مختلف، حفظ و گسترش پیوند با توده ها، بویژه با کارگران، معلمان و با جنبش های پیشرو زنان و روشنفکران و حفظ و گسترش نیروها و تلاش بیشتر در جهت پیوند و کمک متقابل جنبش های دانشجویی در سطح کشور ضامن ارتقای جنبش دانشجویی و نیز پیشرفت و گسترش جنبش عمومی کارگران و زحمتکشان کشور است .

فرزندان کارگران در سنگر دانشگاه اجازه نخواهند داد که فرصت طلبان و همدستان بورژوازی خلع شده از قدرت و کارگزاران قدرت های بزرگ امپریالیستی جان جوانان مبارز و توده های معترض را وثیقه به قدرت رسیدن خویش و تحقق اهداف ارتجاعی و ضد مردمی شان قرار دهند .

امنیت با سرکوب ساخته نمی شود و دانشگاه با ترس زنده نمی ماند!

اگر کلاس ها را ببندید، اندیشه را نمی توانید به بند بکشید!

۸ اسفند ۱۴۰۴

سندیکای کارگران نیشکر هفت‌تپه

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

کارگران بازنشسته خوزستان

گروه اتحاد بازنشستگان

**\*خودسوزی کریم بو‌عذار کارگر شرکت نفت آزادگان**

خبر تلخ و کوتاه است: «کارگر میدان نفتی آزادگان شمالی در مقابل ورودی محل کارش، خودسوزی کرد.» او اولین کارگری نیست که در اعتراض به وضعیت کار و استیصال از شرایطش اقدام به خودکشی کرده است. سریال خودسوزی کارگران خوزستان از مهر 403 شروع شد، وقتی کارگر 48 ساله نی‌پر فصلی نیشکر هفت‌تپه، پدر چهار فرزند، به‌دلیل اختلاف با کارفرمای واحد خود، اقدام به

خودسوزی کرد. «کریم بوعدار» هم دلایل مشابه دارد، حقوق اندک، شرایط سخت اقتصادی و عدم توجه به خواسته‌هایش توسط مدیران!

«کریم بوعدار» 40 ساله، فرزند شهید و پدر پنج فرزند، بعد از این حادثه که در شهرستان هویزه در غرب خوزستان رخ داد، با 75 درصد سوختگی به بیمارستان طالقانی اهواز و بعد به بیمارستان سوختگی اصفهان منتقل شد و اکنون مراحل درمان را سپری می‌کند.

حالا بیش از یک هفته از این حادثه جانکاه می‌گذرد و بررسی‌ها برای پیدا کردن عاملان هنوز به جایی نرسیده است. حادثه خودسوزی کریم، اما دوباره زنگ خطر خودکشی کارگران را در خوزستان به صدا درآورده است. حوادثی که در سال‌های اخیر هم با نگرانی همراه بود و اکنون در پایان سال 404 بیشترین روند افزایشی را نشان می‌دهد.

خوزستان مرکز نفت ایران، که امسال بالاترین نرخ بیکاری و بیشترین نرخ فلاکت را در کشور ثبت کرده، در ماه‌های گذشته اعتراضات پی‌درپی کارگری را شاهد بوده است.

میدان نفتی آزادگان یکی از هفت میدان نفتی در غرب کارون است که در شهرستان هویزه، در جنوب‌غربی خوزستان در تالاب مرزی هورالعظیم قرار دارد. پنج سال پیش هم در خرداد 1399، یک کارگر جوان میدان نفتی یادآوران در همین منطقه خودش را از لوله‌های نفت به دارآویخت و جان باخت.

روز سیاه هور

صبح یکشنبه 26 بهمن، گردوخاک شدید از یکسو و دود سیاه برخاسته از آتش‌سوزی نیزارهای هور از سوی دیگر، آسمان را تیره و تار کرده بود. آن روز مدارس شهرهای خوزستان از جمله هویزه تعطیل اعلام شده و جاده سایت اداری شرکت نفت آزادگان از همیشه خلوت‌تر بود. «کریم بوعدار» یکی از کارکنان حراست این شرکت، که به مشکلات کاری خود معترض بود، ساعت 10 و 30 دقیقه صبح، پشت به هور، رو به شرکت، روی خودش بنزین می‌ریزد و فندک می‌زند، در چشم به‌هم‌زدنی باد شدید آتش را شعله‌ور می‌کند.

آن‌طور که «علیرضا» یکی از بستگانش، توضیح می‌دهد: «طبق گفته کارکنان حراست شرکت، این حادثه ظرف چند ثانیه اتفاق افتاد و کسی نتوانست به‌موقع جلوی کارش را بگیرد. کریم حدود سه‌چهار سال پیش، از پیمانی به رسمی تبدیل وضعیت شد، ولی حقوقش خیلی کم شده بود. امسال حدود 20 میلیون تومان دریافت می‌کرد که خیلی پیگیری کرد، اما درست نشد و با توجه به اینکه پنج فرزند داشت، با مشکلاتی مواجه بود. البته طبق گفته کارکنان، این مشکل برای 60 نفر دیگر از کارگران این شرکت نیز به وجود آمده است. او درخواست وام و انتقال از محل کارش را داده بود که با آن هم موافقت نشد.»

کریم با بیش از 10 سال سابقه کار در این میدان نفتی، پنج فرزند دارد، دو دختر و سه پسر بزرگش به‌تازگی خدمت سربازی را تمام کرده و کوچکترین فرزندش یک دختر چهارپنج‌ساله است. به‌گفته علیرضا، «او را یک بار در زمان تبدیل وضعیت به‌خاطر رد شدن در گزینش، چند ماه تعلیق کردند. برای آن هم خیلی پیگیری کرد و تا تهران رفت تا توانست به کار بازگردد. روز قبل از حادثه

با مسئول حراست درگیری لفظی داشت. بعضی از همکارانش می‌گویند ممنوع‌الورودش کردند و اطلاع داده بودند تعلیق شده است، ولی مسئولان شرکت هم ممنوع‌الورودی و هم خبر تعلیق را تکذیب می‌کنند. ظاهراً این مسائل فشار زیادی به او وارد کرد و باعث شد در مقابل در ورودی حراست خودش را آتش بزند. به ما گفتند افرادی که در این حادثه دخیل بودند، منطقه را ترک کرده‌اند و دادستان برای این موضوع پرونده تشکیل داده و مقصران مجازات می‌شوند.»

او می‌گوید: «ظاهراً پرسنل HSE، آموزش و اطلاعات کافی نداشتند؛ چون با کپسول آتش‌نشانی برای خاموش کردن آتش اقدام کردند که بسیار مضر است، درحالی‌که پتوی نسوز در محل بوده است.»

کریم اهل روستای «زهیریه» در مجاورت هور است و چندسالی است که در هویزه ساکن شده. روستای زهیریه تابستان سال 1400 و در میان اعتراضات آب خوزستان، در رسانه‌ها شناخته شد؛ آن هنگام که مردم تشنه روستا با بشکه‌های آب به دنبال تانکر شرکت نفت می‌دویدند تا مقداری آب بگیرند. علیرضا می‌گوید: «حدود 15 نفر از اهالی روستا در شرکت‌های نفتی کار می‌کنند، اما 50 نفر از جوانان همچنان بیکار هستند و شرکت‌های نفتی آنها را به کار نمی‌گیرند. تا چند سال پیش هر کس که می‌توانست پولی جور کند و یک خودروی تویوتا هایلوکس بخرد، به‌عنوان خودروی استیجاری در شرکت‌های نفتی استخدام می‌شد؛ حالا اما قیمت خودرو آنقدر سرسام‌آور است که این‌هم دیگر نمی‌شود.»

«پیمان بوعدار» پسر بزرگ کریم هم می‌گوید: «شرایط پدرم پایدار و تحت درمان است و از همه درخواست داریم برایش دعا کنند. در روز حادثه در خارج شهر و در اهواز بودم. در این مدت از لحاظ روحی در شرایطی نبودیم که درباره حادثه جزئیات بیشتری را جست‌وجو کنیم. تنها چیزی که می‌دانیم این است که بعد از درگیری لفظی با مسئول حراست این اتفاق رخ داده است و به ما گفتند آن روز پدرم ممنوع‌الورود به شرکت شده بود.»

در میانه مرگ و زندگی

در خوزستان بیشترین اخبار منتشر شده از خودکشی در رسانه‌ها مربوط به کارگران است و حکایت از روند افزایشی خودسوزی‌ها دارد. به نظر می‌رسد سریال خودسوزی کارگران از مهر 1403 شروع شد؛ وقتی کارگر 48 ساله نی‌بر فصلی نیشکر هفت‌تپه، پدر چهار فرزند، به‌دلیل اختلاف با کارفرمای واحد خود، اقدام به خودسوزی کرد. امسال اخبار 9 مورد خودکشی کارگران خوزستانی در رسانه‌ها منتشر شده است که سه مورد اقدام به خودکشی موفق نبوده است.

8 شهریور 404 کارگر خدمات فرمانداری شادگان به‌دلیل مشکلات کار در مقابل ساختمان فرمانداری با بنزین خودسوزی کرد.

29 مهر کارگر یکی از شرکت‌های نفتی در منطقه غیزانیه اهواز پس از اخراج، اقدام به خودکشی کرد.

12 آبان، دانشجوی 22 ساله در اعتراض به تخریب اغذیه‌فروشی خانوادگی‌شان توسط شهرداری اهواز دست به خودسوزی زد.

12 آبان کارگر 26ساله اخراجی شرکت فولاد اهواز بعد از یک سال بیکاری، به زندگی خود پایان داد

و 28آبان کارگر 45 ساله خدمات سازمان پایانه‌های شهرداری اهواز به‌دلیل اخراج، خودکشی کرد. بخشی از یک گزارش رسانه ای شده بتاريخ 8 اسفند

### **\*جان باختن یک کارگر جوان در اراک بر اثر سقوط از ارتفاع**

یک کارگر 25 ساله حین کار در یک ساختمان در حال ساخت اراک بر اثر سقوط از ارتفاع در دم جان خود را از دست داد.

### **\*جان باختن یک کارگر معدن سنگ آهن سنگان در حادثه ریزش آوار**

روز پنج شنبه 7 اسفند، یک کارگر 40ساله و اهل زاهدان معدن سنگ آهن سنگان شهرستان خواف، استان خراسان رضوی بر اثر ریزش آوار زیرتلی از خاک گرفتار شد و در دم جان باخت.

[akhbarkargari2468@gmail.com](mailto:akhbarkargari2468@gmail.com)